

تأثیر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درونگرایی / برونگرایی بر رضایت زناشویی

نویسنده: دکتر عصمت دانش*

* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درونگرایی / برونگرایی بر رضایت زناشویی می‌پردازد. نمونه مورد بررسی ۲۰۷ زوج (۴۱۴ آزمودنی) در حال زندگی مشترک هستند. ابزارهای پژوهش، مقیاس ۵۷ سؤالی آیزنک، پرسشنامه ۴۷ سؤالی رضایت زناشویی انریچ (Enrich) و پرسشنامه محقق ساخته بودند. زوج‌ها پس از تکمیل پرسشنامه‌ها براساس همانندی / تضاد از نظر تیپ و میزان درونگرایی / برونگرایی به ۱۶ گروه تقسیم شدند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، تحلیل پراکنندگی یک طرفه و آزمون LSD برای بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. در پرتو پژوهش‌های گذشته و ۵ فرضیه پژوهش حاضر، نکات زیر برجسته شدند که در مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج می‌توان از آن‌ها سود جست:

۱. بالاترین سطح رضایت زناشویی در ازدواج میانگرا با درونگرایی عادی تحقق می‌یابد.
۲. سطح رضایت زناشویی در ازدواج دو برونگرایی عادی در مرتبه دوم قرار دارد.
۳. در ازدواج دو درونگرایی مفرط و همچنین در ازدواج میانگرا با درونگرایی مفرط سطح رضایت زناشویی در مرتبه سوم است.
۴. سطح رضایت زناشویی در ازدواج زن درونگرا با مرد برونگرا در مرتبه چهارم است.
۵. سطح رضایت زناشویی در ازدواج زن درونگرا با مرد برونگرایی مفرط در مرتبه پنجم قرار دارد.
۶. بدترین ازدواج، ازدواج زن برونگرا با مرد درونگرا است که در این پژوهش، این تضاد با کم‌ترین سطح رضایت زناشویی همراه بود.

واژه‌های کلیدی: درونگرا، برونگرا، میانگرا، رضایت زناشویی

دوماهنامه علمی - پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال دوازدهم - دوره جدید
شماره ۱۰
اردیبهشت ۱۳۸۴

مقدمه

ازدواج به عنوان نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده، همواره در گستره تاریخ فصل کاملی از اصول و قواعد را در تعالیم دینی و اجتماعی به خود اختصاص داده است. اهمیت و ارزش ازدواج تا حدی است که خداوند رحمان و رحیم در سوره‌ها و آیه‌های متعدد - از جمله روم، ۲۱ - ازدواج را مورد تأکید قرار داده و

رسول خدا (ص) برای استمرار آن می‌فرماید: «فانکحو الاکفاء» یعنی با افراد هم‌شان خود ازدواج کنید [۱]. اما به رغم آن که در مورد همسانی عقاید مذهبی، تمایلات فرهنگی، سطح طبقاتی و جز آن توافق عمومی وجود دارد و ضرورت توجه به آن‌ها هنگام ازدواج همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما افزایش روز افزون طلاق در دنیای کنونی، همچنین نارضایتی زن و شوهرها از یکدیگر و نیز از هم گسیختگی کانون‌های گرم بسیاری

از خانواده‌ها و تأثیرات سوء این جدایی بر افراد خانواده، گواهی است بر این مدعا که برخورد مقبول و منصفانه‌ای به ویژه در دهه‌های اخیر با این امر نشده و کم‌تر کسی است که به پدیده ازدواج با دیدی عالمانه نظر کند [۲].

از آن‌جا که انتخاب همسر و انعقاد پیمان زناشویی هم نقطه عطفی در رشد و هم پیشرفتی شخصی تلقی می‌شود و از آن‌جا که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی که در طول زندگی خود می‌گیریم انتخاب یک شریک زندگی است [۳]، اهمیت مسأله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی، علاوه بر عوامل عینی نظیر مذهب، طبقه اجتماعی، نحوه لباس پوشیدن، سن، قیافه و سطح تحصیلات به عوامل زیربنایی از جمله ویژگی‌های شخصیتی نیز توجه شود تا با انتخابی درست در سایه خشنودی و رضایت زناشویی از ازدواجی مناسب، محیطی سالم و سازنده فراهم شود که پایه و اساس نسل‌های آینده، پیشرفت جامعه، اعتلای فرهنگ و انتقال ارزش‌ها در آن میسر گردد.

بررسی نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین در رابطه با تأثیر تیپ آدمی بر نحوه رفتار و تعاملات بین فردی او، مبین آن است که دامنه این بررسی‌ها از فرایندهای درونی ارگانیزم تا رفتارهای شهودی ناشی از تعامل افراد در نوسان بوده است.

از میان کسانی که در قرون گذشته به رابطه تیپ بدنی و تیپ شخصیتی توجه داشتند می‌توان از امپدوکلس (Empedocles)، افلاطون، بقراط، جالینوس [۴] و گال (Gall, F.J.) [۵] نام برد. در همین راستا باید به کوشش‌های ارنست کرچمر (Kerschmer, E.) که با انتشار کتاب «ساخت بدن و خلق و خو» مبنای علمی‌تری را برای آزمایش‌های تیپ‌شناسی پایه‌گذاری کرد، اشاره کرد. کرچمر به این واقعیت دست یافت که همبستگی واضحی بین تیپ بدنی تنه گسترده با روان گسستگی آشفتگی - افسردگی (Manic-Depressive) و تیپ بدنی تنه کشیده با روان گسستگی اسکیزوفرنی وجود دارد [۶].

شلدون (Sheldon, W.H.) و همکارش استیونس نیز مانند کرچمر سعی کردند خصوصیات جسمانی را در داخل محدوده بهنجار به رفتار ارتباط دهند؛ اما بر عکس کرچمر این رابطه را علت و معلولی نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که بین تن و روان رابطه‌ای از نوع همبستگی وجود دارد. بدین ترتیب آن‌ها بر مبنای محاسبه همبستگی بین تعدادی از صفات و تجزیه و تحلیل‌های عاملی مکرر، افراد را به سه تیپ ویسروتونیا (هضمی)، سوماتوتونیا (بدنی) و سربروتونیا (مغزی) طبقه‌بندی و خصوصیات شخصیتی و رفتاری هریک را توصیف کردند [۷].

در زمینه تبیین‌های روان‌پویشی، از فروید تا عصر حاضر، بیش از همه نظریه کارل یونگ (Jung, K.) با این پژوهش ارتباط دارد. یونگ از مشهورترین بخش‌های نظریه خویش را از نظر تیپ‌شناسی به دو جهت‌گیری پایه نسبت به زندگی به نام درونگرایی (Introversion) و برونگرایی (Extroversion) اختصاص داد که هر یک ممکن است شامل یکی از چهار کارکرد روان‌شناختی فکری، احساسی، حواسی و شهودی باشند. یونگ سپس خصوصیات رفتاری هر یک از هشت تیپ شخصیتی فوق را به خوبی مشخص کرد [۸]. پژوهش‌های زیادی در مورد رابطه تیپ‌های روان‌شناختی یونگ با استفاده از آزمون مایرز-بریگز (Myers-Briggs Type Indicator: MBTI) با جنبه‌های مختلف رفتاری انجام شده که از میان آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های استریکر و راس (Stricker, L.J.) در ۱۹۶۲ و راس و هینویتز (Hanewitz, W.B.) در ۱۹۷۸ در مورد علایق شغلی، کارلسون و لوی (Carlson, R. & Levy, N.) در ۱۹۷۳ در مورد پاسخگویی به محرک‌های خشی و محرک‌های انسانی؛ کارس کادون (Carskadon, T.C.) در ۱۹۷۸، در مورد شرکت و کیفیت بحث کلاسی، پروین در ۱۹۸۴ (Pervin, L.A.) در مورد تلقین‌پذیری و فعالیت جنسی اشاره کرد. نتایج کلیه پژوهش‌ها تفاوت معناداری را بین تیپ شخصیتی درونگرا و برونگرا و رفتارهای مذکور برجسته ساخته‌اند [۹ و ۱۰].

(Fontaine, K.R) نیز گزارش می‌کند برون‌گراها و درون‌گراها به طرق متفاوت نسبت به داروهایی که بر عملکرد عوامل انتقال دهنده عصبی تأثیر می‌گذارند، واکنش نشان می‌دهند. با مصرف داروهای کُندکننده (Depressant drugs) درون‌گراها خیلی شبیه برون‌گراها عمل می‌کنند، در حالی که داروهای محرک (Stimulant drugs) موجب می‌شود برون‌گراها خیلی شبیه درون‌گراها رفتار کنند [۱۶].

به اعتقاد آیزنک، تفاوت‌های واضحی بین درون‌گراها و برون‌گراها وجود دارد. نمونه بارز برون‌گرا کسی است که مردم‌آمیز است، از مهمانی خوشش می‌آید، دوستان بسیار دارد، به سخن گفتن با دیگران نیاز دارد، میل ندارد در تنهایی چیز بخواند یا مطالعه کند، مشتاق تحریک و هیجان است، دل به دریا می‌زند، فضولی می‌کند، ناگهانی و نیندیشیده عمل می‌کند، فردی تکانشی است، میل دارد دیگران را دست بیندازد، حاضر جواب است، تغییر و دگرگونی را دوست دارد؛ بی‌خیال و خوش‌بین است، دلش می‌خواهد خوش و خندان باشد، حرکت و کار را بیش‌تر می‌پسندد، تمایل به پرخاشگری دارد، زود از کوره در می‌رود، روی هم رفته احساس‌هایش را در اختیار ندارد، و آدم چندان با ثباتی نیست [۱۱].

همچنین از دید او، نمونه بارز درون‌گرا فردی است کم حرف و گوشه‌گیر که در خود فرو رفته و بیش‌تر به کتاب‌ها علاقه دارد تا به آدم‌ها، آدم‌توداری است و بجز چند دوست صمیمی از دیگران فاصله می‌گیرد. به دوراندیشی متمایل است، بی‌گدار به آب نمی‌زند، به احساس‌های آنی اعتماد نمی‌کند، تحریک و هیجان را دوست ندارد، مسائل زندگی روزمره را در حدی که لازم است جدی می‌گیرد، زندگی منظم و باقاعده را دوست دارد، به احساس‌هایش کاملاً مسلط است، به‌ندرت از خودش پرخاشگری نشان می‌دهد، زود از کوره در نمی‌رود، باثبات و تا حدودی بدبین است و برای معیارهای اخلاقی ارزش فراوان قائل است [۱۱].

در قلمرو نظریه پردازان صفات که به تبیین تیپ‌ها پرداخته‌اند باید از هانس آیزنک (Eysenck, H.G.) نام برد. او در پژوهش‌های وسیع خود، سرانجام به این نتیجه رسید که می‌توان شخصیت را در سه بعد «P»: روان گسیخته خویی در برابر کنترل تکانه یا کنش وری فرامن؛ «E»: برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی و «N»: روان‌آزردگی در برابر استواری هیجانی توصیف کرد و مهم‌ترین عامل را در تشکیل این سه بعد اصلی شخصیت، عامل وراثت دانست [۱۲ و ۱۱].

آیزنک نشان داده که ابعاد اصلی شخصیت با چهار خلط مزاجی صفراوی، دموی، بلغمی و سوداوی که به‌وسیله بقراط در ۲۴۰۰ سال پیش بیان شده است، مطابقت دارد [۵].

افزون بر این از دیدگاه آیزنک - که پژوهش حاضر بر پایه آن نهاده شده و همچنین رایج‌ترین و پذیرفته‌ترین نظریه درون‌گرایی / برون‌گرایی است - تفاوت‌های ژنتیکی در درون‌گرایی / برون‌گرایی ناشی از تفاوت‌های فیزیولوژیکی در دستگاه‌فعال‌ساز صعودی ساخت شبکه‌ای (Ascending Reticular Activating System (ARAS)) است؛

یعنی ساختار مغزی‌ای که مسئول برانگیختگی مغزی پراکنده در پاسخ به یک محرک بیرونی است. براساس این نظریه، سطح پایه فعالیت دستگاه اخیر در افراد درون‌گرا و برون‌گرا متفاوت است. فعالیت این دستگاه در درون‌گرایان بالاتر از حد بهینه، و در برون‌گرایان پایین‌تر از حد بهینه است [۱۳]. مجموعه‌ای از مطالعات روان-فیزیولوژیک و داروشناختی از نظریه انگیزختگی دستگاه فعال‌ساز صعودی ساخت شبکه‌ای (ARAS) آیزنک حمایت کرده‌اند [۱۴]. به‌عنوان مثال، ساندرومن و رانکور (Sanderman, R. & Ranchor, A.V) گزارش می‌کنند تفاوت معناداری بین درون‌گراها و برون‌گراها از نظر بازتاب مردمک چشم در برابر نور، فعالیت‌های طولانی و خسته‌کننده، حافظه، شرطی‌شدگی و یادگیری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که درون‌گراها سریع‌تر از برون‌گراها به محرک‌ها پاسخ می‌دهند و یاد می‌گیرند و خیلی دیرتر از آن‌ها فراموش می‌کنند [۱۵]. فورتین

مجموعه این پژوهش‌ها و یافته‌ها مؤید این نکته است که هر چند بازخوردها و رفتارهای درونگراها به‌طور معنادار با برونگراها متفاوت است، اما پژوهش قابل‌ذکری در مورد تأثیر درونگرایی و برونگرایی بر رضایت زناشویی صورت نگرفته و یا حداقل این پژوهشگر بدان دست نیافته است، ضمن آن‌که پژوهش‌های متعددی درباره سایر ویژگی‌های شخصیتی و سازگاری زناشویی انجام شده است. به‌عنوان مثال در یکی از پژوهش‌ها که توسط ملازاده انجام شد، مشخص گردید همبستگی در عوامل شخصیت پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل در زوج‌های سازگار در سطح ۹۵ درصد اطمینان بیش‌تر از زوج‌های در حال طلاق است و بر عکس زن‌ها و شوهرهای گروه در حال طلاق نسبت به گروه مقایسه در تعداد بیش‌تری از عوامل شخصیت با یکدیگر تفاوت معنادار دارند [۱۷]. در پژوهش دیگری، خدا پناهی نشان داد بین نمرات ویژگی‌های شخصیت از نظر تهیج‌طلبی و سازگاری زناشویی زوج‌های سازگار، همبستگی معنادار وجود دارد، درحالی‌که در زوج‌های ناسازگار، تفاوت میانگین نمرات تهیج‌طلبی شوهران نسبت به همسرانشان با $t = 77/2$ در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است [۱۸]. نوایی‌نژاد نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین ازدواج موفق با الگوی رفتاری تیپ A ($r = 0/20$) و ازدواج موفق و برونگرایی ($r = 0/16$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد [۱۹]. در همین راستا، رابرت وینچ و همکاران او نیز در نظریه خود به نام «نیاز به شخصیت مکمل» اظهار می‌دارند در مجموعه‌ای از افراد واجد شرایط، افرادی که الگوهای نیازهایشان ارضای متقابل را تأمین کند، همدیگر را به‌عنوان شریک ازدواج انتخاب می‌کنند. در نتیجه، الگوهای نیازهای زوجین مکمل یکدیگر خواهد بود، نه مشابه [۲۰].

با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که ذکر شد و همچنین با توجه به تأثیری که ویژگی شخصیتی درونگرایی / برونگرایی بر رفتارهای آدمی و روابط بین

فردی دارد، پژوهش حاضر به‌منظور پاسخگویی به این مسأله طرح‌ریزی و اجرا گردید که آیا با تعیین میزان درونگرایی / برونگرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤثرترین ویژگی‌های شخصیتی، می‌توان سطح رضایت زناشویی زوج‌ها را در رابطه با همانندی / تضاد آن‌ها از نظر درونگرایی / برونگرایی پیش‌بینی کرد؟

اهداف پژوهش

هدف‌هایی که این پژوهش دنبال می‌کند عبارت است از: شناخت تأثیر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درونگرایی / برونگرایی زن و شوهرها بر رضایت زناشویی آن‌ها؛ ضمن آن که مهم‌ترین هدف، دستیابی به بهترین ترکیب از نظر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درونگرایی / برونگرایی از نظر بیش‌ترین سطح رضایت زناشویی است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به سؤال‌ها و هدف‌های بیان شده و با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی فرضیه‌های زیر تدوین گردیدند:

۱. زن‌ها و شوهرهایی که هردو درونگرا یا هر دو برونگرا هستند رضایت زناشویی بالایی دارند.
۲. زن‌ها و شوهرهایی که هر دو برونگرا هستند رضایت زناشویی بیش‌تری از زن‌ها و شوهرهایی که هر دو درونگرا هستند، دارند.
۳. سطح رضایت زناشویی در ازدواج زن برونگرا با مرد درونگرا کم‌تر از ازدواج زن درونگرا با مرد برونگرا است.
۴. درونگرایی و برونگرایی مفرط زوجین یا یکی از آن‌ها در بعضی ترکیب‌ها رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.
۵. میانگرایی زوجین یا یکی از آن‌ها در پاره‌ای ترکیب‌ها، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.

روش

الف) آزمودنی

الف-۱) جامعه آماری

جامعه مورد بررسی این پژوهش شامل کلیه دانشجویان، کارمندان و اعضای هیأت علمی متأهل دانشکده‌ها و بخش‌های اداری دانشگاه آزاد اسلامی کرج، یعنی ۲۰۷۶ نفر بود.

الف-۲) نمونه

حجم نمونه در این پژوهش برای دقت بیش‌تر در سه مرحله برآورد شد. در مرحله اول، تعداد جامعه علمی دانشکده‌ها و بخش‌های اداری دانشگاه آزاد کرج که ۱۵۹۷۳ بودند، مشخص شدند. در مرحله دوم، تعداد افراد متأهل در جامعه مذکور که برابر با ۲۰۷۶ نفر بودند، مشخص گردیدند. در مرحله سوم ۱۰ درصد آن‌ها یعنی ۲۰۷ نفر متأهل با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شدند. چون علاوه بر ۲۰۷ آزمودنی همسر هر یک از آن‌ها نیز باید پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل می‌کردند، بنابراین نمونه مورد بررسی، بالغ بر ۴۱۴ آزمودنی گردیدند.

پاره‌ای از مشخصات ۴۱۴ آزمودنی این پژوهش که شامل ۲۰۷ زن و ۲۰۷ شوهر بود بدین‌قرار بود. میانگین سن زن‌ها ۲۸/۹۴ سال در دامنه ۱۸ تا ۵۰ سال و میانگین سن شوهرانشان ۳۳/۸۷ سال در دامنه ۲۲ تا ۶۲ سال قرار داشت. از نظر میزان تحصیلات زن‌ها به جز در مقطع زیر دیپلم که عدد بزرگتری یعنی ۶/۸ درصد را در مقابل ۴/۳ درصد شوهرانشان به خود اختصاص داده بودند، در بقیه مقاطع تحصیلی درصد کم‌تری از میزان تحصیلات را داشتند. بدین‌ترتیب که ۱۲/۱ درصد زنان و ۳۷/۷ درصد شوهرانشان فوق‌دیپلم بودند، ۲۹ درصد زنان و ۳۲/۹ درصد شوهران لیسانس بودند، ۱ درصد زنان و ۵/۸ درصد شوهران فوق‌لیسانس بودند، و فقط ۲ درصد شوهران مدرک دکتر داشتند و سرانجام در سطح دانشجویی ۱۵/۵ درصد زنان و ۵/۸ درصد شوهران دانشجو بودند.

ب) ابزار پژوهش

در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر دو پرسشنامه به شرح زیر بود. افزون بر این از یک پرسشنامه اطلاعاتی محقق ساخته نیز برای دستیابی به اطلاعاتی درباره آزمودنی‌ها از نظر سن، سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، طول زندگی زناشویی و جز آن استفاده شد.

ب-۱) پرسشنامه شخصیتی آیزنک

این پرسشنامه دارای دو فرم موازی A و B است که در این پژوهش از فرم متداول آن در ایران (فرم A) استفاده شده است. فرم ایرانی (A) این پرسشنامه که توسط محمدنقی براهنی برای جمعیت ایرانی مورد بررسی قرار گرفته دارای ۵۷ سؤال است. سؤالات به‌گونه‌ای تهیه شده که برای افراد کم سواد با هوشبهری معادل ۸۰ نیز قابل فهم باشد [۲۱]. از این پرسشنامه که شکل تکامل یافته‌ای از پرسشنامه پزشکی مادسلی (Maudsley Medical Questionnaire: MMQ) و پرسشنامه شخصیتی مادسلی (Maudsley Personality Inventory: MPI) آیزنک است برای تعیین و اندازه‌گیری میزان درونگرایی و برونگرایی زن‌ها و شوهرها استفاده شد.

پژوهش‌های مختلف، اعتبار بازآزمایی این آزمون را بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۴ و اعتبار دو نیمه کردن آن را بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند [۲۲]. جدول ۱ میزان اعتبار مقیاس‌های آزمون آیزنک را نشان می‌دهد.

دوان نیز طی پژوهشی به‌منظور تعیین میزان همبستگی مقیاس E در فرم‌های A و B آن‌ها را در مورد ۱۴ دانشجوی دختر رشته روان‌شناسی اجرا کرد. او با $N=14$ و $p=0.05$ برای آزمون یکسویه، ارزش محاسبه شده ۰/۶۷ را به‌دست آورد که در مقایسه با ارزش بحرانی جدول (Critical Table Value (CTV)) برابر با ۰/۴۶۴ در سطح ۰/۰۵ و ۰/۶۲۲ در سطح ۰/۰۱ معنادار است [۲۳].

جدول ۱- میزان اعتبار مقیاس‌های آزمون آیزنک [۲۲]

اعتبار	بارآزمایی (با فاصله یک سال)		تمام عیار (Full Scale) (با روش اسپیرمن براون)
	فرم A	فرم B	
مقیاس E	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۶۲
مقیاس N	۰/۸۴	۰/۸۱	۰/۸۹۶

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس تأثیر همانندی / تضاد درونگرایی / برونگرایی بر رضایت زناشویی شوهرها در ۱۶ گروه (N = 207)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۲۴۱۲/۹۷	۱۵	۱۶۰/۸۷	۱/۹۱۳	۰/۰۲۴
درون گروه‌ها	۱۶۰۶۲/۸۵	۱۹۱	۸۴/۱		
کل	۱۸۴۷۵/۸۳	۲۰۶			

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس تأثیر همانندی / تضاد درونگرایی بر رضایت زناشویی زن‌ها در ۱۶ گروه (N = 207)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۳۲۲۰/۶۶	۱۵	۲۱۴/۷۱	۲/۰۹۳	۰/۰۱۲
درون گروه‌ها	۱۹۵۹۳/۳۲	۱۹۱	۱۰۲/۵۸		
کل	۲۲۸۱۳/۹۸	۲۰۶			

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس تأثیر همانندی / تضاد درونگرایی بر رضایت زناشویی زوج‌ها در ۱۶ گروه (N = ۴۱۴)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۵۲۶۳/۳۷	۱۵	۳۵۰/۸۹	۳/۸۶	۰/۰۰۰۱
درون گروه‌ها	۳۶۱۶۳/۲۶	۳۹۸	۹۰/۸۶		
کل	۴۱۴۲۶/۶۲۸	۴۱۳			

جدول ۵- مقایسه‌های چندگانه بین میانگین‌های گروه ۲ با سایر گروه‌ها از نظر رضایت زناشویی شوهرها و زن‌ها به تفکیک و زوج‌ها به طور کل

گروه	گروه‌ها	شوهرها	احتمال خطا	زن‌ها	احتمال خطا	زوج‌ها	سطح معناداری
۲	۱	۹/۸۷	۰/۰۰۲			۷/۳۶	۰/۰۰۲
	۴	۸/۴۲	۰/۰۲۲	۱۱/۰۱	۰/۰۰۷	۹/۷۱	۰/۰۰۰
	۷	۸/۴۹	۰/۰۳۲			۷/۷۰	۰/۰۰۸
	۸	۶/۶۹	۰/۰۴۵			۶/۸۰	۰/۰۰۵
	۹	۶/۸۱	۰/۰۳۴			۶/۲۰	۰/۰۰۹
	۱۱	۸/۱۲	۰/۰۰۶	۱۰/۴۶	۰/۰۰۱	۹/۲۹	۰/۰۰۰
	۱۴	۷/۳۲	۰/۰۱۷	۷/۴۶	۰/۰۲۷	۷/۳۹	۰/۰۰۱

ب-۲) پرسشنامه رضایت زناشویی اندریچ

فرم اصلی این پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال و فرم کوتاه آن از ۴۷ سؤال بسته پاسخ تشکیل شده که ۱۲ مقوله مربوط به رضایت زناشویی را می‌سنجد. در این پژوهش از فرم کوتاه ۴۷ سؤالی آن استفاده شده است. اولسون و دیگران اعتبار این پرسشنامه را با محاسبه ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند [۲۴].

ج) روش اجرا

با مراجعه به دانشکده‌های و بخش‌های اداری دانشگاه آزاد اسلامی کرج، نخست پرسشنامه اطلاعاتی و سپس دو پرسشنامه آیزنک و رضایت زناشویی در اختیار ۲۰۷ زوج (۴۱۴ آزمودنی متأهل) قرار گرفت. هر آزمودنی به‌طور انفرادی خودش و همسرش به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. بدین ترتیب ۴۱۴ آزمودنی ۱۲۴۲ پرسشنامه را تکمیل کردند.

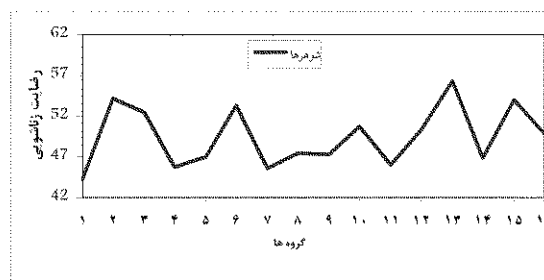
د) طرح تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر که از نوع پس رویدادی است، نتایج استخراج شد. سپس زن‌ها و شوهرها از نظر همانندی/تضاد و همچنین میزان درونگرایی/برونگرایی (عادی یا افراطی) به ۱۶ گروه تقسیم شدند. با محاسبه کلیه میانگین‌ها، انحراف معیارها، آزمون F، آزمون (Least Significant Defference) LSD، توکی و رسم نمودار، تأثیر همانندی/تضاد زوج‌ها در تیپ‌های شخصیتی درونگرایی/برونگرایی، بر رضایت زناشویی آن‌ها مورد آزمون قرار گرفت. سطح معناداری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش حداقل ۰/۰۵ انتخاب شد.

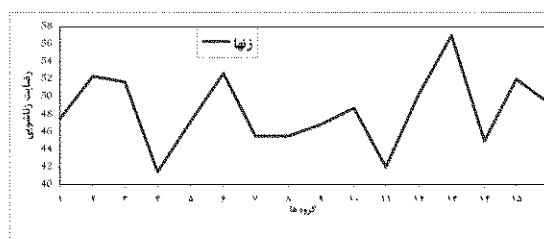
نتایج

تحلیل آماری داده‌ها با آزمون ۵ فرضیه پژوهش در سطح ۹۵ درصد اطمینان به نتایج زیر منتهی شده است:

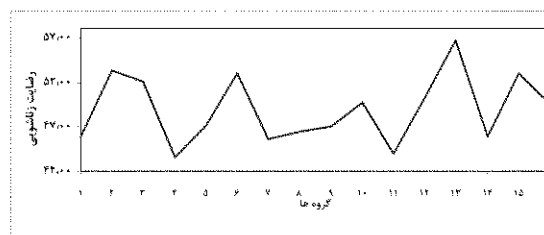
۱. بررسی ارزش‌های F مشاهده شده چه در مورد شوهرها ($F=1/913$) (جدول ۲) و چه در مورد زن‌ها ($F=2/093$) (جدول ۳) یا زوج‌ها به‌طورکل $F=3/86$



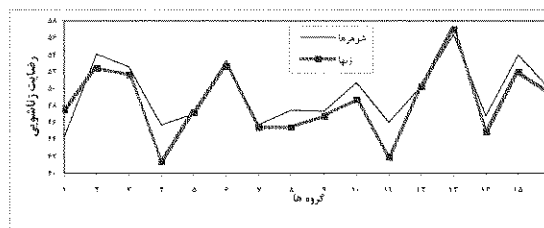
نمودار ۱- مقایسه رضایت زناشویی شوهرها در ۱۶ گروه



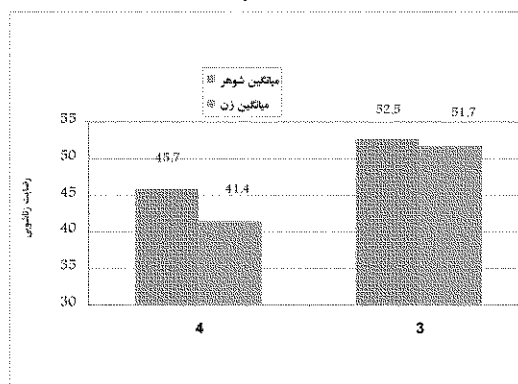
نمودار ۲- مقایسه رضایت زناشویی زن‌ها در ۱۶ گروه



نمودار ۳- مقایسه رضایت زناشویی زوج‌ها در ۱۶ گروه



نمودار ۴- مقایسه رضایت زناشویی شوهرها و زن‌ها با یکدیگر در ۱۶ گروه



نمودار ۵- مقایسه رضایت زناشویی زن برون‌گرا و شوهر درون‌گرا (گروه ۴) با زن درون‌گرا و شوهر برون‌گرا (گروه ۳)

(جدول ۴)، بر معنادار بودن تفاوت میزان رضایت زناشویی حداقل دو گروه از ۱۶ گروه مورد بررسی دلالت دارد. برای تعیین معنادار بودن تفاوت میانگین‌های رضایت زناشویی در ۱۶ گروه از روش LSD و رسم نمودار استفاده شد. همان‌طور که نمودار ۱ در مورد شوهرها، نمودار ۲ در مورد زن‌ها و نمودار ۳ در مورد کل زوج‌ها نشان می‌دهد، رضایت زناشویی گروه ۱۳ که شامل زن و شوهرهایی می‌شود که یکی میانگرا و دیگری درونگراست به‌طور معنادار از همه گروه‌ها بالاتر است. پس از آن، بیش‌ترین رضایت زناشویی مربوط به گروه ۲ است، یعنی زن و شوهرهایی که هر دو برونگرایی عادی هستند. رضایت زناشویی گروه ۶ (زن و شوهرهای که هر دو درونگرایی مفرط هستند) و همچنین گروه ۱۵ (زن و شوهرهایی که یکی میانگرا و دیگری درونگرایی مفرط است) در مرتبه سوم قرار دارد. کم‌ترین میزان رضایت زناشویی مربوط به گروه ۴ است که در آن، زن برونگرا و مرد درونگرا است.

۲. در چهارچوب آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش و با بررسی جدول ۵ و نمودار ۴ این نکات برجسته شد که در گروه ۲ که زن و شوهرها هر دو برونگرا هستند، همانندی تیپ شخصیتی زوجین در برونگرایی به افزایش رضایت زناشویی منتهی می‌شود و در گروه ۱ که زن و شوهرها هر دو درونگرا هستند، همانندی آن‌ها در درونگرایی به کاهش رضایت زناشویی منتهی می‌شود. نتیجه این که همانندی زن و شوهرها در برونگرایی رضایت بیش‌تری را از زندگی زناشویی برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، نه همانندی آن‌ها در درونگرایی.

۳. براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم، همان‌طور که جدول ۶ و نمودار ۵ ملاحظه می‌شود، سطح رضایت زناشویی در گروه ۴ یعنی در ازدواج زن برونگرا با مرد درونگرا کم‌تر از سطح رضایت زناشویی در گروه ۳ یعنی ازدواج زن درونگرا با مرد برونگرا است. پس نتیجه می‌شود که تضاد در ویژگی شخصیتی

درونگرایی / برونگرایی هنگامی به افزایش رضایت زناشویی منتهی می‌شود که زن درونگرا و شوهر برونگرا باشد (گروه ۳)، نه برعکس آن، بدین توضیح که وقتی زنی برونگرا با مردی درونگرا ازدواج کند (گروه ۴) رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. این نتیجه همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد در مورد شوهرها و همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد در مورد زن‌ها و همان‌طور که نمودار ۳ نشان می‌دهد در مورد کل زوج‌های این پژوهش‌ها صادق است.

۴. با آزمون فرضیه چهارم و براساس داده‌های جدول ۷ این نتیجه حاصل شد که در گروه ۶ به خاطر همانندی زن و شوهرها در درونگرایی مفرط، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد، اما همان‌طور که جدول ۸ نشان می‌دهد در گروه ۷ همانندی در برونگرایی مفرط به کاهش رضایت زناشویی منتهی می‌شود. همچنین با نگاهی به نمودار ۴ مشخص می‌شود که در گروه ۸ تضاد زوجین در درونگرایی مفرط و برونگرایی مفرط که - یکی از زوجین درونگرایی مفرط است و دیگری برونگرایی مفرط - رضایت زناشویی کاهش یافته است. افزون بر این در گروه ۹ به خاطر همانندی زوجین در درونگرایی و در گروه ۱۱ به خاطر همانندی آن‌ها در برونگرایی، و در عین حال تضاد آن‌ها از نظر افراطی و عادی بودن میزان درونگرایی / برونگرایی، رضایت زناشویی کاهش یافته است.

۵. با آزمون فرضیه پنجم و نگاهی به نمودار ۳ این نکته برجسته می‌شود که در گروه ۵، همانندی زوجین در تیپ شخصیتی میانگرایی با رضایت زناشویی همراه نیست؛ در حالی که در گروه ۱۵ یعنی در ازدواجی که یکی از زوجین میانگرا باشد و دیگری درونگرایی مفرط، به‌ویژه اگر درونگرایی عادی باشد (گروه ۱۳) رضایت زناشویی به‌طور چشمگیر افزایش می‌یابد. اما زمانی که یک میانگرا با برونگرایی مفرط (گروه ۱۶)، به‌ویژه برونگرایی عادی ازدواج کند (گروه ۱۴)، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد.

۶. با توجه به نتایجی که از آزمون ۵ فرضیه پژوهش به دست آمد و بررسی مجدد نمودار ۳ می توان نتیجه گرفت بهترین پیوند، ازدواج میانگرا با درونگرا عادی است (گروه ۱۳) و بدترین پیوند، ازدواج زن برونگرای عادی با مرد درونگرا عادی (گروه ۴).

بحث و نتیجه گیری

از آنجا که نظریه پردازان مختلف به ویژه آیزنک براساس پژوهش ها و مطالعات متعدد، ویژگی های تیپ شخصیتی درونگرایی را متمایز و متفاوت از تیپ شخصیتی برونگرایی توصیف کرده اند، و این ابعاد را به عوامل زیستی و ژنتیکی نسبت داده اند، مسلماً این ویژگی های شخصیتی در تمام زمینه های زندگی و روابط اجتماعی انسان جلوه گر می شوند و در مسأله پر اهمیتی چون ازدواج، سازگاری زن و شوهر و رضایت زناشویی آن ها را تحت تأثیر قرار می دهند. در این پژوهش، مشخص شد در گروه ۱ که زن و شوهر هر دو درونگرای عادی بودند رضایت زناشویی به طور معنادار از گروه ۲ که زن و شوهر هر دو برونگرای عادی بودند کم تر بود. این یافته را احتمالاً می توان این گونه تبیین کرد که زن و شوهر درونگرا که هر دو صفاتی نظیر نافع، محتاط، فکور، مردم گر، بدبین، خوددار و جز آن دارند بیش تر در درون خود و با خود سرگرم هستند تا با یکدیگر، و شاید هیچ یک از طرفین هم به خاطر خصوصیات فوق قدمی برای ارتباط بیش تر با طرف مقابل بر ندارد و یا اگر بردارد، نتیجه مطلوبی حاصل نمی شود و این تجربه منفی به درون مداری بیش تر در آن ها منتهی می گردد. در حالی که زن و شوهر برونگرا که هر دو صفاتی نظیر مردم میزی، معاشرتی، سهل گیر، سرزنده، پرحرف، پاسخ دهنده و نظایر آن دارند بالطبع رضایت بیش تری از با هم و در کنار هم بودن دارند و براساس ویژگی های شخصیتی که دارند سهل گیر هستند، و از اشتباهات یکدیگر چشم پوشی می کنند و به خاطر این که پرحرفند همیشه حرفی برای گفتن به یکدیگر و ساعاتی را در کنار هم و دوستان گذرانند

دارند. این یافته ها با نتایجی که نوایی نژاد [۱۹] در مورد همبستگی مثبت ازدواج موفق با الگوی رفتاری تیپ A ($r=0/20$)، و ازدواج موفق و برونگرایی ($r=0/16$) ارائه داده، همخوان است.

در تبیین این یافته که چرا سطح رضایت زناشویی در ازدواج زن درونگرا با مرد برونگرا بالا است، نه در حالت عکس آن، می توان گفت یک زن برونگرا که فعال است و تمایل ذاتی به مردم آمیزی و معاشرت دارد در کنار شوهر درونگرا که نافع و مردم گر است یا باید به مخالفت های شوهرش با فعالیت های اجتماعی اش توجه کند یا به آن ها توجهی نکند و به فعالیت های اجتماعی خود ادامه دهد و درگیری ها و تنش را تحمل کند که در هر دو صورت که زن و شوهر هر دو از زندگی زناشویی احساس نارضایتی خواهند کرد. در مقابل، در صورتی که زن، درونگرا و شوهر برونگرا باشد، از آنجا که این الگو با الگوی سنتی و مذهبی جامعه ایران - که زن، نافع، بی سرصدا، و خانه نشین و شوهر معاشرتی، اجتماعی و رهبر است - همخوانی بیش تری دارد، زن و شوهر هر دو رضایت بیش تری را تجربه خواهند کرد.

یافته های دیگر این پژوهش مبین این نکات بود که وقتی زن و شوهر، هر دو درونگرای افراطی باشند رضایت زناشویی آن ها به طور معنادار افزایش می یابد؛ در حالی که وقتی هر دو برونگرای افراطی باشند، رضایت زناشویی آن ها کاهش پیدا می کند. در تبیین این یافته ها می توان گفت حد افراطی درونگرایی ویژگی های یک شخصیت اسکیزوئید را متجلی می سازد [۲۵]. بنابراین زن و شوهری که بجز همدیگر با فرد دیگری نمی توانند رابطه فکری و عاطفی برقرار کنند، ممکن است روز به روز نسبت به هم احساس نزدیک تری پیدا کنند و در نتیجه رضایت زناشویی بیش تری را تجربه کنند. در صورتی که تابلوی بالینی برونگرایان افراطی طبق نظر آیزنک به صورت نشانه های بیمارگون شخصیت هیستریانیک [۲۵] جلوه گر می شود. به راحتی می توان تصور کرد که در این پیوند، زن و

شوهر دائم یکدیگر را به خاطر اشتباهاتی که خود مرتکب شده‌اند سرزنش می‌کنند، واکنش‌های فوری و نامتناسب نشان می‌دهند، و احساس گناهی به خاطر رفتار نامناسب خود نسبت به همسر خویش ندارند. در نتیجه، رضایت زناشویی و سازگاری آن‌ها کاهش می‌یابد.

در همین راستا، وقتی زن و شوهر، یکی درونگرایی مفرط و دیگری برونگرایی مفرط باشد، رضایت زناشویی به‌طور معنادار کاهش می‌یابد. با تجسم زندگی یک فرد با شخصیت اسکیزوئید در کنار یک فرد با شخصیت هیستریانیک به خوبی می‌توان فاصله فکری، احساسی و ادراکی این چنین زن و شوهری را - که اگر بگوییم به اندازه یک دنیا است اغراق نکرده‌ایم - درک کنیم.

به‌طور کلی، نتایج مربوط به حد افراطی هر یک از دو تیپ درونگرایی و برونگرایی در این پژوهش، مبین این نکته بود که بجز ازدواج دو درونگرایی افراطی، سایر ازدواج‌ها با رضایت زناشویی زیادی همراه نیست. در تفسیر بالاترین سطح رضایت زناشویی در ازدواج درونگرا و برونگرایی متوسط (میانگرا) با درونگرا، می‌توان گفت به خاطر ویژگی‌های متعادل که زوجین از نظر سطح فعالیت، مردم‌آمیزی و انگیزتگی دارند، سازگاری و رضایت زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد و این بهترین پیوند و مؤید همانندی در تیپ و نیز در میزان درونگرایی و برونگرایی است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش لازم است مشاوران و روان‌شناسان خانواده به‌منظور کمک به مراجعان خود در گزینش همسر، علاوه بر در نظر گرفتن سایر شرایط و بررسی معیارهای ضروری در طرفین ازدواج، با استفاده از آزمون‌های مناسب، تیپ‌های شخصیتی درونگرایی و برونگرایی و میزان آن را در دختران و پسران اندازه‌گیری کنند و از نتایج این پژوهش در مشاوره‌های ازدواج خود سود جویند. بدین ترتیب می‌توانند از ازدواج‌های «نافرجام» پیشگیری کنند، و از میزان عدم رضایت زناشویی، اختلافات

خانوادگی، طلاق و آسیب‌های روانی و اجتماعی منبث از آن بر زن و شوهر و فرزندان آن‌ها بکاهند و بدین ترتیب بهداشت روانی خانواده‌ها را تأمین کنند.

منابع

- ۱- مظاهری، ع. ا. (۱۳۷۳) جوانان و انتخاب همسر. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۳.
- ۲- ستیر، و. (۱۳۸۰) آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده. ترجمه بهروز بیرشک. انتشارات رشد.
- ۳- برنشتاین، فیلیپ، ا. ج. برنشتاین، م. ت. (۱۳۷۷) شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه حمیدرضا سهرابی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ص ۱۵.
- 4- Feshbach, S. Weiner, B. & Bohart, A. (1996) *Personality*. D.C. Heath and Company. p. 232.
- ۵- راس، آلن. ا. (۱۳۷۶) روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها). ترجمه سیوش جمالف، تهران: انتشارات بعثت. صص ۱۸۳ و ۲۰۲.
- ۶- مای‌لی، ر. (۱۳۷۳) ساخت و پدید آیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱.
- 7- Liebert, R. M., Liebert, L. (1998) *Liebert & Spiegler's personality. Strategies and Issues*. Cole Publishing Company. A division of international. Thomson publishing Inc. p. 229.
- 8- Carducci, B.J. (1998) *The psychology of personality. Viewpoint, Research, and Applications*. Cole Publishing Company. A division of international. Thomson publishing, Inc. p.104.
- ۹- شولتز، د. (۱۳۷۸) نظریه‌های شخصیت. ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی و همکاران. تهران: نشر ارسباران. ص ۱۳۰.
- 10- De Bruyn, E.E.J., Delsing, M. J. M. H. & Welten, M. (1995) *The EpQ-R (Junior): A Dutch replication study. Personality and Individual Differences*, 18, 405- 411.
- ۱۱- آیزنک، هانس. ج. (۱۳۶۵) واقعیت و خیال در روان‌شناسی. ترجمه محمد نقی براهنی و نیسان قولیان. تهران: انتشارات روز. صص ۳، ۶۷ و ۶۸.
- 12- Eysenck, S.B.G. & Tambs, K. (1990) *Cross-Cultural Comparison of Personality in adults and children: social Psychology*. 50, 124-130.
- ۱۳- خداپناهی، م. ک. (۱۳۷۶) انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات سمت. صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

- ۱۴- ریو، ج. م. (۱۳۷۸) انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات ویرایش. ص ۲۳۱.
- 15- Sanderman, R., & Ronchor, A.V. (1994) *Stability of personality trait and psychological distress. Over six years. Perceptual and Motor Skill*, 78, 89 – 90.
- 16- Fontaine, K.R. (1994) *Personality Correlates of sexual risk – taking among men*. *Personality and Individual Differences*, 17, 693- 694.
- ۱۷- ملازاده، ج. (۱۳۷۲) بررسی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه با عوامل تنیدگی‌زای زناشویی در زوج‌های در حال طلاق و سازگار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۸- خداپناهی، م. ک. (۱۳۷۴) بررسی نقش تهییج‌طلبی در تحکیم روابط زناشویی. رساله دکتری. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- ۱۹- نوایی‌نژاد، ش. (۱۳۷۶) «بررسی ملاک‌ها و عوامل موفقیت در همسرگزینی و ارتباط آن با برخی از ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان». اولین همایش کشوری نقش ازدواج و بهداشت روانی دانشجویان. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. تهران.
- ۲۰- بنی‌اسدی شهربابک، ح. (۱۳۷۵) بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی - فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و زوج‌های ناسازگار در شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. ص ۷۳.
- ۲۱- اخوت، و.ا.، دانشمند، ل. (۱۳۵۷) ارزشیابی شخصیت. انتشارات دانشگاه تهران. ص ۸۴.
- 22- Paisley, A.C. (2003) *Eysenck personality inventory (EPI)* Retrieved from the world wide web. [Http:// www _ socsci. Paisley. ac. Uk / ee / IDLee4 / sld010. htm](http://www_socsci.Paisley.ac.Uk/ee/IDLec4/sld010.htm).
- 23- Dawn , M. (2003) *Look at the reliability of Hans Eysenck's EPI test*. Retrieved from the world wide web. [Http:// www. Members. Lycos. Co. uk / Dawnmac / eysencks_ept](http://www.Members.Lycos.Co.uk/Dawnmac/eysencks_ept).
- ۲۴- سلیمانیان، اکبر (۱۳۷۳) بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (براساس رویکردشناختی) بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم. تهران.
- ۲۵- حبیبی، ب. (۱۳۵۸) روان‌شناسی شخصیت سالم، انتشارات گلشهری. تهران. صص ۷۱ و ۷۲.